

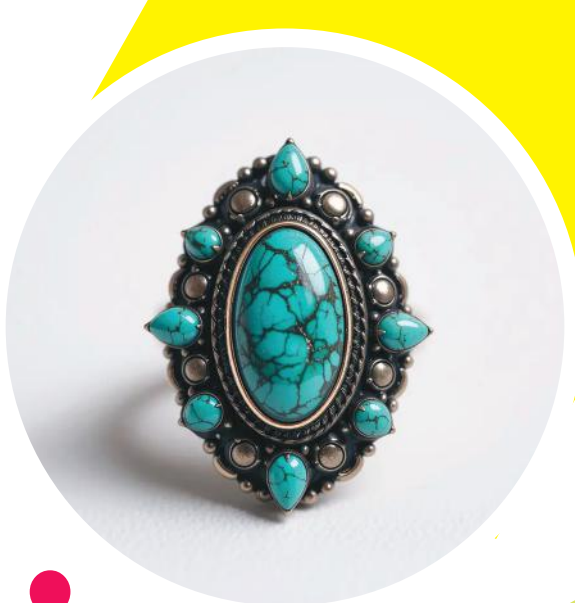
# از خاک تا آه

## تابش نور بر گنجینه‌های پنهان ایران

زیرپای تو، در اعماق زمین، دنیایی از رنگ‌ها و رازها خوابیده است؛ گنجینه‌ای که هزاران سال است چشم‌به‌راه دست‌های هنرمندی است تا آن را از تاریکی بیرون بکشد و به اثری جاودان تبدیل کند. اینجا ایران است؛ سرزمینی که خاکش نه فقط خاک است، بلکه خزانه‌ای از طلا، فیروزه، مس، سنگ‌های زینتی و موادی است که هر کدام قصه‌ای دارند؛ قصه تبدیل شدن از «سنگ» به «هنر و ثروت».

تصور کن در دل کوهستان‌های نیشابور ایستاده‌ای. آفتاب روی تکه‌هایی فیروزه‌ای می‌تابد که گویی آسمان را به زمین آورده‌اند. اینجا، معدن فیروزه، یکی از قدیمی‌ترین معدن‌های جهان است؛ همان جایی که هنرمندان ایران قرن‌هاست از این سنگ آبی-سبز آسمانی، انگشترها، ظرف‌ها و نقش‌هایی خاتم‌کاری می‌سازند که دنیا را مبهوت می‌کنند. یا در کویریزد، سنگ‌های مرمر و تراورتن در همچون بوم‌هایی سفید و طلایی، منتظرند تا به دست مجسمه‌سازان یا معماران، به ستون‌های باشکوه یا نقش برجسته‌هایی تبدیل شوند که تاریخ را روایت می‌کنند. این‌ها فقط چند مثال کوچک هستند از آنچه زیرپای ما قرار دارد؛ گنج‌هایی خدادادی که ایران را به یکی از ثروتمندترین کشورهای معدنی دنیا تبدیل کرده‌اند. اما چرا این موضوع به تو، هنرجوی هنرستان، مربوط می‌شود؟ چون همین امروز، در دستان تو قدرت تبدیل این گنج‌های خام به هنری ماندگار نهفته است. فکر می‌کنی آن کاسه سفالی منقوشی که در موزه‌ها می‌بینی، یا آن گردنبند فیروزه‌ای که در آن سوی دنیا می‌درخشد، از کجا آمده‌اند؟ هر

هنرمندان ایرانی قرن‌هاست از سنگ فیروزه انگشترها، ظرف‌ها و نقش‌هایی خاتم‌کاری می‌سازند که دنیا را مبهوت می‌کنند



مهدی عبدالملکی

گنجینه‌های ایران  
منتظرند تا به دست تو  
از خواب بیدار شوند و  
به هنری تبدیل شوند  
که قرن‌ها باقی بماند

سنگ‌ها را از نزدیک ببینی، صدای زمین را می‌شنوی که می‌گوید: «من این گنج را برای تو نگه داشته‌ام... حالا نوبت توست که با هنرت آن را به چیزی تبدیل کنی که جهان بایستد و تحسین کند.» به یاد داشته باش که تو تنها نیستی. نسل‌های پیش از تو، با ابزارهای ساده‌تر، آثاری خلق کردند که امروز به آن‌ها افتخار می‌کنیم. حالا نوبت توست که با دانش فنی، خلاقیت و اشتیاق، فصل جدیدی از این داستان را بنویسی. هر تکه سنگ، هر گرم خاک و هر قطره از فلزی ذوب شده، می‌تواند نقطه‌شروعی برای یک اثر هنری باشد؛ اثری که نه تنها نام تو، بلکه نام ایران را بر سر زبان‌ها می‌اندازد.

پس دفترت را بردار و طرح اولیه‌ات را بکش، یا اولین ضربه قلمت را بر سنگ بزن. گنجینه‌های ایران منتظرند تا به دست تو از خواب بیدار شوند و به هنری تبدیل شوند که قرن‌ها باقی بماند. این تنها یک رؤیا نیست، این فرصتی است که زمین به تو داده است. حالا نوبت توست که آن را به واقعیت تبدیل کنی.

پالتی رنگی نقاشی به تصویر بکشد؟ اما فرصت‌ها به همین جا ختم نمی‌شوند. امروز نمانام‌های ایرانی زیادی از این گنجینه‌ها استفاده می‌کنند تا محصولاتی منحصر به فرد به دنیا عرضه کنند. مثلاً جواهرسازان جوانی که فیروزه نیشابور را با طرح‌های نوین ترکیب می‌کنند و گردن بندهایی می‌سازند که در پاریس و میلان طرفدارانی پرپاقرص دارند. یا شرکت‌های دانش‌بنیانی که از ضایعات معدن، رنگ‌هایی طبیعی برای صنعت نساجی تولید می‌کنند؛ رنگی که نه تنها زیباست، بلکه دوستدار محیط‌زیست هم هست. این یعنی تو، با هنر و دانشی که کسب می‌کنی، می‌توانی حتی به اقتصاد کشور هم کمک کنی؛ هم ثروت خلق کنی و هم هویت ملی‌ات را پررنگ‌تر سازی. شاید بپرسی: «چرا باید به معدن و صنایع معدنی اهمیت بدهیم؟ مگر نه اینکه این‌ها موضوعاتی قدیمی هستند؟» اما واقعیت این است که امروز فناوری و هنر دست در دست هم داده‌اند تا معدن را به فرصتی برای نسل‌نو تبدیل کنند. مثلاً دستگاه‌های برش لیزری که سنگ‌ها را با دقت میلی‌متری شکل می‌دهند، یا نرم‌افزارهای طراحی سه‌بعدی که به تو اجازه می‌دهند پیش از ساختن یک اثر، آن را در دنیای مجازی خلق و اصلاح کنی. این‌ها ابزارهایی هستند که به تو، به عنوان هنرجویی امروزی، قدرت می‌دهند ایده‌هایت را سریع‌تر و حرفه‌ای‌تر اجرا کنی. پس فرصت را از دست نده! همین حالا به اطرافت نگاه کن. شاید در استان تو معدن‌هایی وجود داشته باشند که حتی نامشان را نشنیده باشی؛ سنگ‌هایی با رنگ‌های عجیب، خاک‌های رسی بی‌نظیر، یا فلزهایی که در صنعت هنر کاربرد دارند. از معلم‌هایت بپرس، در اینترنت جست‌وجو کن، یا حتی گروهی از هنرجویان را جمع کن و به بازدید یک معدن محلی بروید. آنجا، وقتی

کدام از این آثار، روزی قطعه‌ای بی‌جان در دل کوه بودند، تا اینکه یک هنرمند، با نگاه خلاقانه‌اش، به آن‌ها جان داد. تو هم می‌توانی یکی از این هنرمندان باشی؛ کسی که نه تنها از خاک هنر خلق می‌کند، بلکه هویت ملی‌ات را با آن گره می‌زنی. تاریخ ایران پر است از نمونه‌هایی که ثابت می‌کنند مواد معدنی موهبتی برای هنر بوده‌اند. مثلاً همین مس، فلزی که قرن‌ها پیش در هنرهای دستی ایران جایگاه ویژه‌ای داشت. ظرف‌های مسی قلم‌زنی شده و آینه‌کاری‌های مسین در معماری بناها، همگی نشان می‌دهند چگونه یک ماده معدنی می‌تواند به بخشی از روح یک تمدن تبدیل شود. یا سنگ لاجورد که در کاخ‌های هخامنشی، از تخت جمشید تا شوش، به کار رفت تا شکوه ایران را به رخ دنیا بکشد. این‌ها تنها گذشته نیستند. امروز هم هنرمندان جوانی هستند که با احیای همین فن‌های قدیمی، آثار نوینی خلق می‌کنند.

حالا تصور کن تو یکی از آن‌ها هستی. یک روز، در کارگاه هنرستان، تکه‌ای سنگ مرمر به دست می‌رسد. سطح خشن و بی‌جان آن را نگاه می‌کنی، اما در ذهنت، مجسمه‌ای می‌بینی که در نور آفتاب می‌درخشد. با قلم و چکش، کم‌کم شکل‌ها از دل سنگ بیرون می‌آیند. هر ضربه، بخشی از تاریخ پنهان سنگ را آشکار می‌کند. این همان جادوی هنر است؛ جادویی که مواد خام را به داستان‌های قابل لمس تبدیل می‌کند.

یا اگر رشته‌تو طراحی صنعتی است، چطور است یک گلدان جدید طراحی کنی که از خاک‌های رنگی معدن‌های ایران الهام گرفته شده باشد؟ یا اگر به گرافیک علاقه داری، چرا پوستری طراحی نکنی که تنوع سنگ‌های معدنی ایران را همچون

